هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

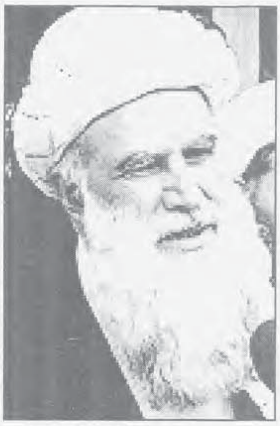
کارمندان هفته نامهء مجاهد پیروزی آقای قانونی را به ریاست شورای ملی به مقام محترم رهبری جمعیت اسلامی افغانستان و شخص آقای قانونی و اعضای جمعیت و همهء مجاهدان و ملت سر افراز افغانستان تبریک و تهنیت می گویند

دور ششم | سال چهارم | شمارهٔ ۳۱ | چهار شنبه ۷ جدی ۱۳۸۴ | ۲۷ ذی القعده ۱۴۲۶ – | 28 December 2005

قانونی با ۱۲۲ رأی در برابر استاد سیاف با ۱۱۷ رأی رئیس پارلمان شد

عارف نورزی و فوزیه کوفی معاونان و رحمان اوغلی منشی و صالح محمد سلجوقی منشی دوم انتخاب شدند





مجلس نمایندگان مردم پس از انتخاب رئیس و اعضای هیأت رئیسه به بحث دربارهٔ اصول و وظایف داخلی پارلمان پرداخته است

به روز چهار شنبه ۳۰ قوس سال روان جهت احراز کرسی ریاست شورای ملی، انتخابات صورت گرفت کاندیداهای دور اول این انتخابات محمد یونس قانونی، استادسیاف، نور الحق علومی، سید اسحق گیلانی، قدریه یزدان پرست، شکریه بارکزی و صفیه صدیقی بودند در این دور محمد یونس قانونی ۱۰۸، استاد سیاف ۸۸ رأی، نورالحق علومی ۱۲، سید اسحق گیلانی ۱۶، قدریه یزدان پرست ۶، شکریه بارکزی ۹ و صفیه صدیقی۵ رأی به دست آوردند در این انتخابات دو رأی مستنکف وجود داشت و دو نفر غایب بودند.

چون هیچ یک از این نامزدان پنجاه در صد جمع یک کل آرا را به دست نیاورده بود، مطابق قانون، انتخابات به دور دوم کشانده شد. در این دور که انتخابات میان استاد سیاف وقانونی راه اندازی شده بود محمد یونس قانونی با کسب ۱۲۲ رأی در برابر استاد سیاف که ۱۱۷ رأی به دست آورده بود برنده شد و به ریاست پارلمان رسید. در این دور انتخابات پنج رأی مستنکف وجود داشت و چهار نفر حاضر نبودند .

به روز پنجشنبه ۱ جدی مجلس نمایندگان مردم (ولسی جرگه) در انتخاباتی که به منظور گزینش معاونان ولسی جرگه صورت گرفت محمد عارف نورزای را به حیث نائب اول وفوزیه کوفی را به عنوان نائب دوم انتخاب کردند.

برای احراز کرسی معاون اول پنج تن از وکیلان وبرای احراز کرسی معاون دوم ده تن از آنان خود را نامزد کرده بودند که از جملهٔ پنج تن از نامزدان کرسی معاونت اول، محمد عارف نورزایی با کسب ۷۶رأی انتخاب شد و کاندیداهای دیگرسید مصطفی کاظمی ۵۹ ، حاجی محمد محقق ۴۰ رأی، میرویس یاسینی ۴۹ ، ومحمد نعیم فراهی ۱۰ رأی، کسب نمودند. ص۵

ماجراهای جلسات نخستین هفتهٔ پارلمان از دید نمایندگان

مجاهد با شماری از نمایندگان پارلمان دربارهٔ ماجراهای نخستین هفتهٔ مجلس نمایندگان و مسائل قابل طرح در آن گفت و شنودهایی انجام داده است که توجه خوانندگان عزیز را به آن جلب می نماییم.



قاضی محمد ایوب مهر



سلطان محمد اورنگ



محمد عالم ساعی



وکیل سید آغا



پیرم قل ضیابی

قاضی محمد ایوب مهر نمایندهٔ ولایت تخار:

انتخاباتی که برای تعیین هیأت اداری پارلمان به میان آمد یک انتخابات صاف وشفاف بود و در یک فضای آزاد و سالم صورت گرفت. همه اعضای پارلمان از این وضعیت راضی معلوم می شوند.

ما در آغاز کار قرارداریم بحث در مورد اصول و وظایف داخلی پارلمان آغاز شده و تا هنوز ومورد تصویب اعضا قرارنگرفته است وکلای مردم برسرمسائلی که درآن منافع ومصالح ملت ومردم باشد و ارزش های دین اسلام درآن درنظرگرفته شده باشد تأکید دارند.

در مورد تعطیلات زمستانی پارلمان باید گفت: این حرف ها جزشایعاتی بیش نیست به روز شنبه ۴جدی رئیس پارلمان گفت که مابرای دولت وعده دادیم که تاسی روز دیگر برای دادن رأی به کابینه آمادگی داریم. ازحرف های آقای قانونی معلوم می شود که ماتعطیل نداریم وبه تعقیب آن مسائل بودجه وغیره بحث خواهد شد.

اگرپارلمان تعطیل شود درکارآن سکتگی رخ می دهد. تمام طرح ها و بسیاری کارهایی که دولت پیش روی دارد باید از طریق پارلمان تأیید شود و مورد تصویب قرار بگیرد، درصورت تعطیل شدن پارلمان این نقیصه جبران نشدنی خواهد بود. ص۷



از تجاوز تا شکست

ص۲



مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر

آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادۀ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ – ۲۲۰۲۲۱۴ – ۰۲۰
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

ششم جدی

یک فاجعه و یک تاریخ

امروز از ششم جدی ۱۳۵۸ بیش از ۲۶ سال می گذرد. تجاوز نظامی اتحاد شوروی برکشورما بیش از نه سال دوام کرد و در طی این مدت بیش از یک میلیون سرباز و افسر روسی برضد مجاهدین پاسدار آزادی و استقلال کشور و مردم آزادۀ آن جنگیدند.

این جنگ در پهلوی های زندگی جامعۀ ما اثراتی مثبت و منفی فراوان برجای گذاشت. بیش از یک و نیم میلیون انسان این سرزمین شهید و چندین صد هزار دیگر معلول و معیوب شدند و بیش از پنج میلیون دیگر از آنان مجبور گردیدند خانه و دیار خود را ترک کنند و راه هجرت در پیش گیرند. شیرازۀ زندگی از هم گسست و اقتصاد مملکت به تباهی گرایید و سازمان های دولتی و جامعۀ نه چندان نیرومند مدنی در کشور از میان رفت و زمینه های مداخلت و نفوذ را برای بسیاری ها در افغانستان آماده ساخت و...

در سوی دیگر این فاجعه افتخاراتی بس بزرگ رقم خورد؛ برای نخستین بار در تاریخ، یک ملت ستمدیده و فقیر مانند افغانستان در برابر یکی از بزرگترین قدرت های نظامی اقتصادی زمانه با دست های تهی از سلاح به پیروزی رسید و طلسم اسارت پذیری و تمکین در برابر زور و تجاوز را شکست و شعور آزادگی را در وجدان ملت های در بند زنده کرد و پرچم آزادی خواهی را درمیان آنان در اهتزاز در آورد.

در نتیجه جهاد مردم افغانستان جهان را از کابوس جنگ سوم جهانی رهایی بخشید و به جنگ سرد نزدیک به نیم قرن پایان داد.

اما زمانی که این برهنه پایان پس از چهارده سال کار و زار دشوار در سال ۱۳۷۱ به پیروزی دست یافتند، جهان به جای دست گرفتن آنان و یاری رسانیدن به آنان، از آنان روی برتابید و مصیبت هایی تازه به این ملت جفا دیده روی آورد.مصیبت هایی که بیشترینه از مداخلات بیگانگان ناشی می شد.

نه تنها ملت مجاهد افغانستان پس از پیروزی نتوانست به زخم های پیشینش مرهم بگذارد که تازه زخم هایی کاری تر از خنجر دیگران خورد. در یک کلام پس از ده سال از راندن متجاوز روسی، دوسه سال است که دوباره از زیر آوار تجاوز دیگران قد راست کرده است.

اکنون باید به مداوای این همه دردهای متراکم از این تجاوز و ستم ها بپردازد و کارهایی را که در این عرصه باید انجام بدهد البته کم نیست. گام هایی در این راستا برداشته شده است و گام هایی بسیار فراتر تا هنوز برای برداشتن دارد.

ما هر قدر گام های آینده را متین برداریم به همان اندازه از تجاوزات درآتیه مصئون خواهیم ماند؛ چون همیشه تجاوز گران در میان خود ما جای پای باز کرده اند.

این گام های متین هرگز بدون همدلی و دوست داشتن و مهر ورزیدن به همدیگر برداشته نخواهد شد. و این همدلی و دوست داشتن جز در پرتو فرهنگ برادری و برابری و عدالت میسر نخواهد گردید.

از تجاوز تا شکست



راوی

ششم جدی در تاریخ کشور ما مصادف است با سالروز تجاوز ارتش سرخ بر حریم کشور ما. در ششم جدی سال ۱۳۵۸ پرچمداران کمونیزم گیسوان مادر وطن را به دست اجانب سپردند.

مجاهدان افغانستان با قیام استعمار شکن خویش سرانجام تجاوز گران را به فرار از کشور وادار ساختند. در این قیام خونین که به شهادت بیش از یک ونیم میلیون مسلمان منجر گردید، کشور ما به خاک یکسان شد. میلیون ها تن از هموطنان ما آواره؛ دیار هجرت گردیدند.

تا قبل از تجاوز مستقیم شوروی ها به افغانستان، کشور های غربی نسبت به این مساله توجه جدی آن گونه که بعد از تجاوز دیده شد نداشتند. روس ها نیز به این باور بودند که غرب نسبت به حملهٔ ارتش سرخ به افغانستان، جایی که بخشی از ساحهٔ نفوذ این ابرقدرت است نیز عکس العمل جدی نشان نخواهند داد. اما بعد ها مشخص شد که این پیش بینی دقیق نبود.

در جهاد افغانستان هر جناحی اهداف خاص خود را داشت. مجاهدان به آزادی کشور شان می اندیشیدند اما غرب هدف دیگری داشت. این سخن را دهها سال بعد یکی از مقامات آن زمان امریکا به صراحت گفت که هدف ما این بود که روس ها هم ویتنام خود شان را داشته باشند. گرفتن انتقام از شکست در ویتنام یکی از اهداف امریکا بود.

با تجاوز روس ها به افغانستان، پاکستان مبدل به کشور بسیار مهم در مبارزه علیه کمونیزم گردید و سیل کمک های خارجی به این کشور سرازیر شد. پاکستان توانست با بهره گیری از چنین موقعیتی، به تکنولوژی اتمی دست یابد بدون این که به مخالفت جدی از طرف امریکا مواجه گردد.

کمک امریکا و غرب با جهاد افغانستان طوری بود تا به تدریج این کشور در باتلاق افغانستان فرو برود. شرایط داخلی اتحاد شوروی به این هدف امریکا کمک کرد. در شوروی بوروکراسی ناشی از تمرکز قدرت، همیشه تصامیم مهم را در چهارچوب یک گروه کوچک رهبری محدود می ساخت. گروهی که هرگز به اشتباهات خویش معترف نبود و هرگاه اشتباهی در سیاست ها وجود می داشت، این گروه تصمیم گیرنده ،آخرین کسانی بودند به آن پی می بردند.

بدون تردید کمونیست های افغانستان نیز در اغفال روس ها نقش عمده داشتند

در جهاد افغانستان هر جناحی اهداف خاص خود را داشت. مجاهدان به آزادی کشور شان می اندیشیدند اما غرب هدف دیگری داشت. این سخن را دهها سال بعد یکی از مقامات آن زمان امریکا به صراحت گفت که هدف ما این بود که روس ها هم ویتنام خود شان را داشته باشند

و روس ها بعد ها به این مسأله پی بردند.

اولین محمولهٔ تفنگ های ۳۰۳ بور انگلیسی در سال ۱۹۸۰ و بعد از تجاوز ارتش سرخ به مجاهدان داده شد. این تفنگ ها در زمان استعمار انگلیس در هندوستان، سلاح سربازان انگلیسی بود. امریکایی ها می خواستند وانمود کنند که این سلاح های کهنه را مجاهدان از مناطق قبایلی به دست می آورند.

دلیل این که امریکا و غرب نخواستند از ابتدا مجاهدان را به سلاح های مدرن تر مسلح سازند این بود تا جنگ ادامه یابد و روس ها از پیروزی نا امید نگردند. برنامهٔ این کار به دقت بسیار طرح ریزی شد. ژنرال اختر عبدالرحمن در سال ۱۹۷۹ به ریاستISI تعیین گردید.

امریکایی ها نمی خواستند مستقیما در امور جهاد دخالت داشته باشند و اصول ژنرال ضیاء الحق را پذیرفتند. این اصول چنین بود:

- هیچ امریکایی، افراد CIA یا ارگان های دیگر حق ندارند از خاک پاکستان وارد افغانستان گردند.
- توزیع و انتقال اسلحه تنها توسط افرادISI صورت گیرد.
- تعلیمات نظامی به مجاهدان از طرف ISI در کمپ ها در طول سرحد افغانستان داده می شود.
- CIA اجازهٔ دادن آموزش به مجاهدان را ندارد. اگر سلاح جدید نیاز به آموزش داشته باشد. افسران CIA به افسران ISI آموزش می دهند.

سیر کمک های غرب و کشور های عربی نیز به تدریج افزایش می یافت. در آستانهٔ تجاوز اتحاد شوروی به افغانستان این کمک ها ناچیز بود اما در سال ۱۹۸۱ این کمک ها از طرف ایالات متحدهٔ امریکا سالانه به سه میلیون دلار رسید و عربستان سعودی نیز در برابر هر دلار امریکا یک دلار به مجاهدان می پرداخت.

ویلیام کیسی رئیس وقت سیا در سال ۱۹۸۴ تلفات ارتش سرخ در افغانستان در طول چهار سال را به شرح ذیل به اطلاع رئیس جمهور ریگان رسانید:

تعداد کشته ها و مجروحان ارتش سرخ ۱۷۰۰۰ نفر.

هواپیما ها و هلی کوپتر های از بین رفته ۳۵۰ تا ۴۰۰ فروند.

تانک های تخریب شده ۲۷۵۰ دستگاه.

موتر و نفربر های زرهی تخریب شده ۸۰۰۰ دستگاه.

مجموع خسارات به ارتش سرخ در افغانستان در طول چهارسال ۱۲ میلیارد دلار.

کمک امریکا و عربستان سعودی در طول چهار سال به مجاهدان مجموعا ۴۰۰ میلیون دلار.

ناگفته پیداست که در این نبرد نقش کمک های خارجی در مقایسه با آنچه که مجاهدان افغان انجام دادند، بسیار ناچیز بوده است. مجاهدان در طول این چهار سال در نبرد با تجاوزگران روس تلفات بسیاری را متحمل شدند.

یکی از پایه های قدرت مجاهدان مردم بودند. مردمی که به مجاهدان غذا می دادند و مجروحان را مداوا می کردند. روس ها برای مرعوب نمودن مردم و ممانعت آنان از کمک به مجاهدان دست به اقدامات وحشیانه زدند. روستا های بسیاری به خاک یکسان شد و مردم نیز مجبور به ترک کشور و مهاجرت به کشور های همسایه گردیدند.

این اشتباه بزرگ دیگری بود که روس ها مرتکب شدند. اردوگاه های مهاجران در پاکستان خاستگاه مجاهدان جدیدی بود که جانشین مجاهدان به شهادت رسیده می شدند. تمام تلاش ۱۵۰ هزار سرباز از ارتش چهلم اتحاد شوروی برای بستن مرز افغانستان با پاکستان به نتیجه نرسید.

سرانجام این تجاوز به شکست مواجه شد و اتحاد شوروی نیز از میان رفت. تلاش برای به فراموشی سپردن این حماسه برای آن است تا تجربهٔ شکست یک ابرقدرت به دست مردمی پابرهنه و فقیر، سرمشق جوامع مشابه قرار نگیرد. ولی آیا این تلاش تا کنون قرین موفقیت بوده است؟

افغانستان وپایان بازی بزرگ

قسمت اول —— وحید مژده

امریکا تصمیم دارد در سال ۲۰۰۶ خروج نیروهای خویش از عراق را آغاز نماید. این خبر را رسانه های خبری از قول منابع امریکایی اظهار نمودند. تصمیمی که از قبل قابل پیش بینی بود.

حامد کرزی نیز از خروج نخستین گروه از سربازان امریکایی از افغانستان در سال ۲۰۰۶ خبر داد. وی که برای شرکت در همایش اسلام در جهان کثرت گرا به وین رفته بود گفت: تا آن زمان نیروهای نظامی و انتظامی افغانستان خود قادر به دفاع از کشور خواهند بود. اما بعدا گفت که به حضور نیروهای پیمان ناتو در افغانستان ضرورت است؛ زیرا هنوز نیروهای افغانستان قادر به دفاع از کشور نیستند. قرار است نیروهای ناتو در افغانستان افزایش یابند در این میانه نیروهای انگلیسی سهم بیشتری در تأمین امنیت خواهند داشت اما ناتو مدعی است که نیروهای این پیمان در کار بازسازی و کمک های انسانی فعال خواهند بود و وظیفهء اصلی این نیروها تعقیب و جنگ با طالبان و القاعده نخواهد بود. کاری که تا کنون به وسیلهء نیروهای امریکایی به پیش برده می شد.

تردیدی نیست که دلایل کاهش نیروهای امریکایی در افغانستان و عراق از هم فرق دارد. اما کاهش نیروها در افغانستان می تواند تاحدی نشان از کاهش توجه امریکا به آسیای میانه باشد.

ادامهء نبرد با تروریسم و القاعده می تواند نیروهای خارجی را در کشورما نگهدارد و حتی در دل دعا می کنیم که اسامه هرگز دستگیر نگردد تا کمک های بین المللی به افغانستان ادامه یابد اما نشانه های دیگری به نظر می رسد که در این زمینه چندان نوید بخش نیست

منابع نفت و گاز در آسیای میانه

سیزدهمین همایش آسیای میانه و قفقاز به تاریخ ۷ و ۸ نوامبر ۲۰۰۵ در تهران تحت عنوان تعامل و تقابل راهبرد ها برگزار گردید. در این همایش نمایندگانی از کشور های آسیای میانه و قفقاز باهم تبادل نظر کردند که بسیار جالب بود.

یک نتیجه گیری مهم از این همایش این بود که زمامداران امریکا اکنون به این نتیجه رسیده اند که آسیای میانه آن قدرها هم که شرکت های نفتی امریکایی گمان داشتند، سرشار از منابع نفت و گاز نیست و در این مورد مبالغه شده است.

آنها درگذشته دچار این محاسبهء غلط شده بودند که گویا در آن جا ذخایر عظیمی از نفت و گاز وجود دارد. امریکا در راستای منافع شرکت های نفت و گاز، به خرید دولت مردان و یا به تلاش در به قدرت رسانیدن مهره های خویش پرداخت که انقلاب های رنگین و مخملین به راه افتاد. گفته می شد که تکنولوژی عظیم فضایی امریکا از فضا به وجود منابعی از انرژی در این منطقه از جهان پی برده است که می توانند با منابع نفت و گاز در شرق میانه رقابت نماید. گاهی از وجود میلیارد ها تن نفت در زیر آب های دریاچهٔ کسپین سخن گفته می شد وزمانی از منابع عظیم گازی که باید از مسیر افغانستان به نیم قارهء هند برود. ما مردم افغانستان به عنوان مردمی که باید در مسیر این خطوط لوله قرار می گرفتیم و یا به این دلیل که در سرزمینی زندگی می کنیم که از نظر سوق الجیشی پل میان آسیای جنوبی و شرق میانه با آسیای میانه است، بیشترین رنج ها را از این بازی بزرگ تحمل کردیم.

به عنوان نمونه انوارالحق احدی وزیر مالیهء فعلی کشور ما زمانی به عنوان یک محقق نوشت که کشور های آسیای مرکزی و حوزهء دریای خزر بعد از خلیج فارس دومین ذخیرهء انرژی سوخت دنیا را به خود اختصاص داده اند. براساس آخرین برآورد و اطلاعات موجود، حوزهء دریای خزر به تنهایی دارای بیش از ۱۷۸ میلیارد بشکه نفت می باشد که این مقدار یک ششم کل ذخایر نفت کشف شدهء دنیاست. (به نقل ازکتاب سیاست خارجی ایران و پاکستان درقبال افغانستان – دانش بختیاری ص ۲۲۶)

اکنون واضح شده است که در این منطقه از منابع عظیم، در حدی که در ابتدا تصورمی شد و موجب این بازی بزرگ شد خبری نیست.

حتی اگر منابع نفتی بیشتر هم وجود داشته باشد، چون باید از طریق خطوط لوله انتقال یابد، قابل ازدیاد نیست. هر لوله ظرفیت خاص خودش را دارد. خط لولهء قزاقستان یک میلیون بشکه در روز قابلیت انتقال دارد. گفته می شود که خط لولهء باکو- جیهان نیز یک میلیون بشکه ظرفیت دارد که شاید در سال آینده به کار آغاز نماید. خط لولهء آذربایجان چهارصد هزار بشکه نفت را در روز انتقال خواهد داد و خط لولهء دیگر یعنی ترانس کسپین نیز از چهار حوزه نفت را انتقال خواهد داد.

پیش بینی دقیق این است که تا سال ۲۰۱۰ میلادی روزانه سه میلیون و هشت صد هزار بشکه نفت از این منطقه به بازار جهانی سرازیر خواهد شد. اگر ما این مقدار را چهار میلیون بشکه در روز تخمین کنیم، مقدار زیادی نیست؛ زیرا قرار تخمین ها در سال ۲۰۱۰ مقدار نفت مورد نیاز در بازار جهانی ۱۱۰ میلیون بشکه در روز خواهد بود. پس نفت آسیای میانه و قفقاز فقط در صدی اندکی (کمتر از چهار در صد) از آن را تأمین خواهد کرد.

از طرف دیگر هزینهٔ استخراج نفت این منطقه در مقایسه با شرق میانه پنج برابر بیشتر است و اگر قیمت نفت پایین بیاید، استخراج نفت این منطقه مقرون به صرفه نخواهد بود. ظاهراً بازی بزرگ در این نقطه از جهان به پایان خویش نزدیک می شود. حتی زمانی که اسلام کریموف از امریکا می خواهد تا نیروهایش را از خاک آن کشور خارج سازد،امریکا می پذیرد. آیا این نشانهء دیگری از کاهش اهمیت این منطقه برای غرب نیست؟

پیش بینی دولت مردان ما

اما دولت مردان کشور ما تقریبا با یقین می گفتند که نیروهای امریکایی اگر نگوییم برای همیشه، لااقل تا آینده های نسبتا دور در افغانستان باقی خواهند ماند زیرا:

- مبارزه علیه تروریسم پایان نیافته و القاعده و طالبان در افغانستان هنوز فعالند.
- رهبران آنان تا هنوز کشته یا دستگیر نشده اند.
- امریکا به افغانستان وعدهء حضور دراز مدت داده است.
- امریکا در این منطقه از جهان دارای منافع مهم اقتصادی و استراتژیک است.
- مواد مخدر افغانستان خطری بزرگ به جامعهء غرب است و باید در جهت امحای آن غرب با افغانستان همکاری نماید.

با چنین تصوری چهارسال سپری شد. چهارسال طلایی به پایان آمد و میلیارد ها دلار کمک های بین المللی در جهت از میان بردن فقر، کاهش فاصله میان شهر و روستا و به وجود آوردن فرصت های شغلی برای لشکر بیکاران که بسیاری از آنان سلاح بر زمین نهادند، کارآمد نبود.

ما به این باوریم که ادامهء نبرد با تروریسم و القاعده می تواند نیروهای خارجی را در کشورما نگهدارد و حتی در دل دعا می کنیم که اسامه هرگز دستگیر نگردد تا کمک های بین المللی به افغانستان ادامه یابد اما نشانه های دیگری به نظر می رسد که در این زمینه چندان نوید بخش نیست.

امریکا و تماس با القاعده

یک مقام ارشد حزب مسلم لیگ پاکستان به نام جاوید ابراهیم پراچه در گفتگو با یک روزنامهء پاکستانی مدعی شد که یک مقام ارشد CIA در هتل سرینا در اسلام آباد با وی ملاقات نموده و از او خواسته است تا میان امریکا و القاعده برای کمک به تفاهمی که به آتش بس منجر گردد، کوشش نماید. وی گفت که این مقام امریکایی که "کارن هیوز" نام داشت برای تبادل نظر در همین مورد با دو تن از سران پیشین استخبارات نظامی پاکستان آی اس آی از جمله ژنرال حمید گل نیز ملاقات نموده است. جاوید ابراهیم پراچه در دوران حکومت نوازشریف عضو مجلس ایالت سرحد پاکستان بود و گفته می شد که با گروه های تندرو مذهبی چون سپاه صحابه و لشکر جنگوی پیوندهایی داشت.

مقامات امریکایی اظهارات پراچه را بی بنیاد خوانده اند اما سفر خانم کارن هیوز به پاکستان را تأیید نمودند.

وقایع دیگری هم اتفاق افتاده است که نمی تواند تصادفی به شمار آید. فقط اشخاص ساده اندیش می توانند فرار چند تن از افراد مهم القاعده از جمله عمرالفاروق از زندان بگرام را کاری از روی اتفاق بدانند. آیا این کار بخشی از نقشهء تلاش برای ارتباط با القاعده نیست؟

امریکایی ها هرگز نخواهند گفت که از جنگ برضد تروریسم دست برداشته اند اما جنگ علیه دشمنی که نمی دانی از کجا حمله می کند و به کجا ضربه وارد می آورد، جهان غرب را دچار کابوس مستمر ساخته است. هزینهٔ پیشگیری از حملات احتمالی چنین دشمنی در غرب واقعا سرسام آور است.

طالبان وسلاح های جدید

بنا به گزارش های رسیده طالبان به سلاح های جدید روسی و چینی مجهز گردیده اند. القاعده این شبکه را از نظر مالی تمویل نموده و در مورد تاکتیک های شان به آنان مشوره می دهد. طالبان دیگر، آن طالبان بی تاکتیک جنگ های شمالی نیستند بلکه نسخهء دیگری از القاعده اند که توان ترورهای انتحاری را نیز دارند.

این طالبان بودند که به دنبال سرنگون شدن یک هلی کوپتر امریکایی مدعی شدند که آن را به وسیلهء سلاح جدید سرنگون کرده اند. البته به گزارش CIA طالبان در دوران قدرت شان ۵۳ دستگاه استینگر در اختیار داشتند که از مجاهدین به دست آورده بودند اما مشخص نبود که این هلی کوپتر به وسیلهء چه سلاحی هدف قرار داده شده است. **ادامه دارد**

از ادبیات دوران جهاد به مناسبت سالروزهای تجاوز شوروی

توطئه علیه آزادی

مجلهٔ میثاق خون شمارهٔ ۱۱ سال ۱۳۶۶

نایل لاجوردین شهری

این قطعه به سخن گوینده سازواره یی است که به مناسبت ششم جدی ۱۳۵۸ در سال ۱۳۶۶ دوران تداوم اشغال ننگین کشورمان توسط ارتش سرخ اتحاد شوروی، سراییده شده است. روزی که از سیمای راستین سوسیالیسم شوروی و از شعارهای دروغین آن پرده افگند. این سازواره و مثنوی "میهن فروش" از ادبیات دوران جهاد به مناسبت سال روزهای تجاوز شوروی می تواند ما را به فضا و هوای آن روزگار ببرد.

دروازه های قفس را به روی آزادی بسته اند....

وامواج آزادی در متناهی مرز ها شناور است....

ما در قفسی که دست عصر های دیگر وصیادان نسل های دیگر آن را ساخته است زاده وزیسته ایم.

ودر آن غریب واندوهگینانه می میریم.

***

سیارهٔ کوچک ما زندگی کوچک ما را به روی دستان کودکانه اش حمل می کند وزیستن اگر مفهومی دارد .....

همان از آزادی دزدیدن است .

گوییا زندگی را بر بنای نفی آزادی می نهاده اند .

همچنانی که تمدن را از چنین جوهرهٔ ساخته اند.

هر نفس توطئه بیشرمانه یی است علیه آزادی لاجرم هر نفس خونبهای یک آزادی است .

که به هر نفس یک زندگی کاشته می شود ویک آزادی در وده که یا نفس می کشیم وزندگی می کنیم ....

ویا آزادی را می ستاییم ومی میریم.

***

در قفس بودن، هویت عصر ما وخصیصهٔ خود آفریدهٔ کافهٔ نسل های بشری است

قفس را پیراستن، پیرایش ساده لوحانه است.

که دروغ های زرین صیادان به تزیین آن پرداخته است.

هیچ توانستنی آزادی را به قفس نمی تواند منتقل کند.

پس آزادی را به قفس راهی نیست.

گرچه از قفس تا مرزهای آزادی راهی وجود دارد.

اما فاصلع یی از زندگی تا به مرگ.

روند تمامی خجستگی ها چون گلبول های حیات در رگ های آزادی جاری است.

هر فریادی، هر خواستنی وهر نیایشی، مطالبهٔ یک آزادی است.

حتی مقبره های خاموش هم،

تشنه کام فاتحهٔ ازادی اند.

هیچ پروازی جز به سوی آزادی وجود ندارد.

آنچه که پر گشودن را می آموزد، آزادی را تمرین می کند .

هر بالی شکسته یی، گستاخی پروازی وشوخی جسارتی را به یاد دارد

اینک مجموعهٔ پروازها، بلند باور نامهٔ آزادی را رقم می زند

ونامتناهی بودن،وسعت سنگین آزادی را توزین می کند

پس آزادی، مظهر عروج یک "لا یتناهی کوچک فراسوی یک لایتناهی بزرگ" است که ستارهٔ حقیر ما، تنها جبههٔ حقارت انگیزی است که علیه آزادی کشوده می شود وچون زندگی، جنگ پایان نا پذیر وخصمانه یی را می آغازد.

***

باری، هنر مندانه زیستن همان همایونی مردن است.

مگر می شود هنرمند بود وفرهیخته در قفس زیست؟

هیچ هنر را ستین دهکدهٔ کوچک مارا جز تنگنای قفس نمی شناسد.

کدام ترانهٔ پاینده را می شناسید که آزادی را در محدودهٔ این سیارهٔ کوچک جوییده است

ستم ستیزانه ترین هنر آن است که به تصحیح باور های پارینه نپردازد

وبا شعار های مقدس به فریب خلق اکتفا نکند

پس تعالی جاودان هنر در ان است که زندان زندگی را با مذاب طلایی آزادی رنگ آمیزی نکند

واسارت سیاه را جلوهٔ آزادی نبخشد.

تا هیجان گرم آزادیخواهی در رگ های مبارزهٔ نسل ها به سردی نگراید وباور آزادی در بیرون از متناهی وجود، قطعیت پذیرد.

تا زمینهٔ پرواز های بزرگ به سدرة المنتهای آزادی میسر گرددوآدم، چون قطرهٔ حقیری،عظمت خویش را در پیوستن به اقیانوس آزادی با زیابد تا انسان وآزادی در سر مدیت فنا نا پذیر شان...

جدایی نا پذیر وخویشاوند زندگی کنند.

که سدرة المنتهای انسان همان کمال آزادی است.

بروید تا بمانم

سیمین بهبهانی

بروید تا بمانم، بروید تا بمانم
که من از وطن جدایی، به خدا نمی توانم.
چو مجال تن شود طی، چو بریزدم رگ و پی
تو همان "حکایت نی"، شنوی از استخوانم.
شب غربت از چه رنگین، ز بلور و نور و آذین
به چه کار آیدم این، که در او نه شادمانم؟
ز گُدازه های آتش، شب و روز در کشاکش،
چو خیال من، مشوش، شده ذهن آسمانم.
گل روشنی نهان به، خفه در چراغدان به
که به گوش ها سنان به، ز خروش گزمگانم.
حرمی که سایه می زد، به سرم اگر بریزد،
دل من کجا گریزد، که مقیم آستانم؟
من و کودکان و پیران، غم جنگجو دلیران
به همین خموشِ ویران، که در اوست آشیانم.
من و کنج این پریشان، به دیار سفله کیشان؛
نروم که مهر ایشان، به گدا و شی ستانم.
اگر این کبود ایوان، نه گشاده است و خندان
زمن است و شهروندان، نه به وام، سایبانم
به امید روز بهتر، پی گام، گام دیگر
زده ام به سوی باور، بروید تا بمانم...

میهن فروش

غفار "عظیمی" فریدون فر

برگرفته از شمارهٔ (۷–۸) ۱۳۶۸ مجلهٔ میثاق خون

یکی بی خرد مردنا باب بود
که منفور ومطرود احباب بود
نه ننگ ونه نام ونه ناموس داشت
نه علم ونه دانش نه قاموس داشت
شب وروز اندر سفارت بدی
به فکر بدی وشرارت بدی
سرانجام این روسیاه پلید
به نزددگر روسیاهان خزید
پذیرفت افکار،ناراستی
رهی پستی وکژی وکاستی
وطن را به دیوان دژخیم داد
مهان وکهان را همه بیم داد
به سالاری وسرفرازی رسید
به قدرت ازین حزب باری رسید
بیاورد بیگانگان را به خاک
وطن گشت از این غول برما مغاک
یکی روز بگذشت بر معبری
به پیش آمدش مرد برزیگری
بدوگفت کی مرد دهقان نژاد؟
زکار گذشته چه داری به یاد؟
نباشد فشارت ز ارباب ها ؟
خوشایند با شد ترا خواب ها ؟
دلت بی غم از جور ملاک شد
زلوث فئودال ده پاک شد
چنین گفت برزیگری پاکزاد
که رحمت برآن شیر فرخنده باد
تو ای بدکنش نوکرشوروی
سزد حرف من سر به سر بشنوی
اگر کرد ملاک جوروستم
تو آتش زدی کشوری را نه کم
اگر کرد او ظلم وبیداد وزور
تو بردی به زندان تا ریک وگور
نکرد او اگر پندکس را به گوش
نه چون تو بدش پست ومیهن فروش
نه چون تو خیانت به ناموس کرد
زمین وطن را پر ازروس کرد
تو برگوی ، تاخود چها کرده ای
چه غوغا به میهن به پا کرده ای
وطن تلی خاکی است، افروخته
ده وقریه وشهرها سوخته
تو ای بدکنش، چارهٔ خویش ساز
که آمد، زمانت به تنگی فراز
همین روزها کاخ آمال تو
فرور یزد و بشکند ،بال تو
گرفتار ظلم وبدی ها شوی
به یک کشت دیگر، تورسواشوی
چوبشنید تهدید دهقان به گوش
بغرید آن خرس میهن فروش
سخن های آن پیر نامد پسند
به زندان فرستاد وکردش به بند
حقیقت زحنظل بود تلخ تر
زند بردل نا سزایان شرر

نیاز افغانستان به یک آموزشگاه بزرگ اسلامی

تبصره یی بریک وعدهٔ رئیس جمهور

واقف حکیمی

رئیس جمهوری اسلامی افغانستان آقای حامد کرزی دو شنبه ۵ جدی با شورای علمای افغانستان در مقر ریاست جمهوری دیدار کرد.

او در پاسخ به درخواست شورای علمای افغانستان مبنی بر اعمار یک آموزشگاه بزرگ علوم دینی وعده داد که دولت برای برآورده ساختن این خواست عملا اقدام می کند.

این وعده را آقای کرزی زمانی می دهد که تدریس وآموزش علوم دینی به گونه یی تکان دهنده در کشور رو به رکود گراییده است.

افغانستان با آن که زمانه هایی دراز یکی از مراکز عمدهٔ تمدن وفرهنگ اسلامی به شمار می آمد اکنون به حالتی رسیده است که از داشتن یک مرکز مهم آموزش علوم وفرهنگ اسلامی نیز بی بهره است.

پیش از آمدن تعلیم وتربیت معاصر که در پی تماس با تمدن اروپا از دوران شیر علی خان آغاز یافته است، تعلیم وتربیت در کشور کاملا متکی به مراکز آموزش علوم دینی بود، البته این آموزشگاه ها در کنار پرداختن به علوم ومعارف اسلامی آموزش پهلوهای گونه گون فرهنگ ومعارف بشری را نیز به عهده داشت. پس از آمدن تعلیم وتربیت معاصر به افغانستان نیز بیشترین نام آوران عرصهٔ فرهنگ وادبیات کشور ما کسانی اند که در حوزهٔ علوم دینی پرورده شده اند وپیش قراولی تعلیم وتربیت معاصروفرهنگ افغانستان را به دوش گرفته اند.

اما معارف دینی پیوسته از سوی دولت های معاصر افغانستان مورد بی توجهی قرار داشته است .

این بی توجهی دولت ها به معارف وعلوم اسلامی با ورود آموزش معارف معاصر به افغانستان شدت گرفت و در به تقابل وتعارض قرار دادن آموزش دینی وآموزش عصری سعی بلیغ صورت پذیرفت .این روال در زمان حاکمیت رژیم کمونیستی به اوج خود رسید، به حدی که دیگر ورود به حوزهٔ آموزش دینی در نظر بسیاری ها نوعی ازعار تلقی می شد.

اما با توسعهٔ جهاد بر ضد اشغالگران ورژیم دست نشاندهٔ آنان توجه به علوم اسلامی از سوی مردم ورهبری جهاد افزایش یافت وگونهٔ نگرش به روش آموزش علوم دینی وکار برد آن در مدیریت جامعه تحول کرد.

در دوران جهاد مراکز وانستیتوهایی زیاد در دیار هجرت به وجود آمد که تدریس معارف اسلامی را در کنار تدریس معارف ودانش های عصری به عهده گرفت که در رأس همهٔ آنها دانشگاه دعوت وجهاد قابل یادکردن است.

دانشگاه دعوت وجهاد درسال ۱۳۶۳در پیشاور از سوی حکومت موقت مجاهدین به میان آمد. این دانشگاه چندین فاکولته داشت که درآن علوم اسلامی وطب ومهندسی وساینس وادبیات وعلوم اجتماعی و....تدریس می شد.

تحصیل کردگان این دانشگاه در عرصه های گونه گون از کادرهای بسیار لایق وشایسته به حساب می آیند.

هم چنان مشابه به دانشگاه دعوت وجهاد دانشگاهی به نام دانشگاه امهات المؤمنین برای دختران وزنان ودانشگاهی به نام دانشگاه عبد الله بن مسعود برای پسران هر دو از سوی جمعیت اسلامی افغانستان تاسیس شد.

این دانشگاه ها پس از پیروزی جهاد وتشکیل حکومت مجاهدین به افغانستان انتقال کردند.دانشگاه امهات المؤمنین در کابل به فعالیتش ادامه داد و دانشگاه عبد الله بن مسعود در ولایت تخار مستقر شد واما دانشگاه دعوت وجهاد به دلیل ناگوار بودن اوضاع امنیتی وگستردگی تشکیلات نتوانست فعالیت هایش را درکابل از سر گیرد.

ستیزه جویی های شریف فایض بر ضد آموزش معارف اسلامی به جایی رسید که نتوانست فعالیت یک فاکولتهٔ قدیمی برای آموزش علوم اسلامی در ساختار دانشگاه کابل را تحمل کند

پس از فروپاشی رژیم طالبان تلاش هایی صورت گرفت تا دانشگاه های دعوت وجهاد وامهات المؤمنین دوباره فعال شود ولی این کار به دلیل گرایش های اسلام ستیزانه و سیکولاریستی بسیار افراطی محمد شریف فایض وزیر تحصیلات عالی دورهٔ ادارهٔ موقت وحکومت انتقالی به جایی نرسید.

آیا آقای حامد کرزی به راستی می خواهد با این وعده های خود این خلاء را پر کند یا تنها زمانی که شماری از علما را می بیند به یاد آن می افتد وسپس فراموش می کند؟!

ستیزه جویی های شریف فایض بر ضد آموزش معارف اسلامی به جایی رسید که نتوانست فعالیت یک فاکولتهٔ قدیمی برای آموزش علوم اسلامی در ساختار دانشگاه کابل را تحمل کند.کسی به فاکولتهٔ شرعیات دانشگاه کابل سری بزند می تواند درجهٔ توجه حکومت به تدریس علوم دینی را دریابد.

با این حال آقای رئیس جمهور به علمای افغانستان وعده داده است که یک آموزشگاه بزرگ علوم اسلامی درافغانستان می سازداین آموزشگاه مورد وعدهٔ آقای رئیس جمهور بی تردید یکی از نیازمندی های بسیار مبرم جامعهٔ افغانستان است که هم دولت وهم مردم از لحاظ های گونه گون بدان محتاجند.

این دانشگاه باید به گونه یی ساخته شود که فارغ التحصیلان آن به نیازهای دینی واجتماعی افغانستان بتوانند پاسخ بدهند. بسیاری از کشورهای اسلامی از مصر تا مالزی این تجربه را پشت سر نهاده اند.

دانشگاه هایی ایجاد کرده اند که در آنها آموزه های دینی و تکنولوژی وتمدن معاصر را در کنار هم تدریس می کنند.

دولت در پهلوی توجه به ایجاد یک چنین مرکز بزرگ برای آموزش علوم دینی باید به مراکز علوم دینی که بالفعل در چهارچوب وزارت های معارف وتحصیلات عالی فعالیت دارد توجه کند هم اکنون مدرسهٔ ابوحنیفه ودارالعلوم عربی وفاکولتهٔ شرعیات دانشگاه کابل حالتی زار دارد چه رسد به مؤسسات مشابه آنها در ولایات دیگر و در دانشگاه های دیگر.

هرچند در وزارت معارف در زمینهٔ رشد تعلیمات دینی تلاش هایی صورت پذیرفته است ولی این کار به یک استراتژی فراگیر از سوی دولت نیاز دارد، کاری که بدان توجه نشده است.

در این سال های اخیر امتحان اختصاصی برای پذیرش در فاکولتهٔ شرعیات دانشگاه کابل در مرکز جهت تضعیف مستوای علمی محصلان این فاکولته از میان رفته است ومحصلان آن از میان دانش آموزان مکاتب عمومی جذب می شوند که از پیش با مبادی علوم اسلامی وزبان عربی هیچ آشنایی ندارند واین امر باعث شده است که فارغ التحصیلان فاکولتهٔ شرعیات از توانایی ومهارتی که در عرصهٔ معارف اسلامی ودانش حقوقی باید بهره مند باشند بی بهره به در آیند.

تا کنون جامعهٔ افغانستان در رفع نیازمندی های دینی خود بر تحصیل کردگان در خارج از کشور متکی بوده است. علمای شیعه بیشتر در حوزه های علمیهٔ ایران وعراق خاصه حوزهٔ علمیهٔ قم ونجف اشرف درس خوانده اند وعلمای سنی در پاکستان وهند. و این امر در پهلوی محاسنش جوانبی سلبی نیز داشته است.

تأسیس حوزهٔ علمیهٔ خاتم النبیین توسط آیت الله شیخ آصف محسنی در کابل در حدی بالا در آینده می تواند نیاز آموزش دینی جامعهٔ شیعی افغانستان را بر آورده سازد. اما جای یک چنین مؤسسه یی برای پرورش عالمان دینی برای جامعهٔ تسنن کشور تا هنوز خالی است. آیا آقای حامد کرزی به راستی می خواهد با این وعده های خود این خلاء را پر کند یا تنها زمانی که شماری از علما را می بیند به یاد آن می افتد وسپس فراموش می کند؟!

مجلس نمایندگان مردم پس از انتخاب رئیس و اعضای هیأت ...

هم چنان از ده تن نامزد معاونت دوم مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) فوزیه کوفی با کسب ۴۹ رأی انتخاب شد متباقی کاندیداها حاجی احمد فرید ۳۷، آصفه شاداب ۲۶، بیدار زازی ۳۲، مولوی عطاء الله لودین ۳۱، تاج محمد مجاهد ۱۹، احمد علی جبرئیلی ۷ ، انجینیر عباس ۱۸، صبغت الله ذکی ۱۶ وعبد السلام قاضی زاده ۹ رأی به دست آوردند در این انتخابات ۲۳۹ رأی به صندوق ها انداخته شده بود که از جمله آنها پنج رأی سفید بود و ۹ نفر در انتخابات شرکت نکرده بودند.

به روز شنبه ۳ جدی مجلس نمایندگان مردم (ولسی جرگه) سردار محمد رحمان اوغلی را به حیث منشی وصالح محمد سلجوقی را به عنوان معاون منشی از راه انتخابات برگزیدند.

در این انتخابات به خاطر احراز کرسی منشی شش نفر وبه خاطر احراز کرسی معاون منشی چهار نفر خود را نامزد کرده بودند. سردار محمد اوغلی ۸۵ رأی برنده شد و دیگران هر یک معین مرستیال ۸۲ رأی، سید اقبال ۲۶ رأی، حوا علم نورستانی ۲۰ رأی وسید حسین عالمی بلخی ۲۴ رأی، به دست آوردند.

به همین گونه در انتخابات معاون منشی دکتر صالح محمد سلجوقی با ۸۲ رأی برنده شد و محمد ابراهیم قاسمی ۶۰ رأی، گل پادشاه مسجدی ۵۱ رأی ومحمد عبدو ۴۲ رأی به دست آوردند. در انتخابات منشی مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) نه نفر حاضر نبودند و دو رأی مستنکف وجود داشت و در انتخابات معاون منشی نه نفرغیرحاضر وپنج رأی مستنکف بود. با انتخاب منشی و معاون منشی هیأت اداری ولسی جرگه تکمیل گردید.

در اخیر قاضی حبیب الله رامین رئیس موقت ولسی جرگه از اشتراک فعال نمایندگان در جلسات گذشته تشکر کردو بر ادامهٔ تلاش خود در کنار دیگر نمایندگان تأکید نمود.

بعدا محمد یونس قانونی رئیس مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) صحبت نمود: وگفت: از اعتمادی که بر من ومعاونین ومنشی هایم نمودید ابراز شکران می نمایم.

به روز یک شنبه ۴جدی جلسهٔ مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) تحت ریاست محمد یونس قانونی تدویر یافت که در این جلسه دربارهٔ مسودهٔ اصول طرز العمل داخلی مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) بحث صورت گرفت، این مسوده توسط دارالإنشای موقت شورای ملی ترتیب یافته است.

نمایندگان در مورد مسوده دو نظر ارائه نمودند :کمیسیونی به خاطر بررسی اصول مطروحه تعیین گردد.

هرمادهٔ مسوده قرائت شود و رأی گیری صورت گیرد.

بالاخره بر نظر دومی نمایندگان موافقه نمودند.

به روز دوشنبه ۵ جدی نمایندگان فصل اول اصول وظایف داخلی را مورد بحث قراردادند. این مسوده در بیست فصل و۱۱۲ ماده از طرف دارالانشای موقت مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) ترتیب گردیده است.

به روز سه شنبه ۶جدی هم چنان روی مسودهٔ اصول وظایف داخلی ولسی جرگه بحث صورت گرفت.

در دومین جلسهٔ رسمی مجلس سنا (مشرانو جرگه) که قبل از ظهر چهارشنبه ۳۰ قوس برگزارشد. نائب اول ونائب دوم ریاست مجلس سنا انتخاب گردیدند. این جلسه به ریاست حضرت صبغت الله مجددی رئیس مجلس سنا (مشرانو جرگه) با شرکت ۱۰۱تن از سناتوران در سالن مشرانو جرگه تدویر یافت که در انتخابات نائب ا ول چهار تن خود را کاندیدا نموده بودند سید حامد گیلانی با کسب ۴۰ رأی به حیث نائب اول انتخاب گردید سه کاندیدای دیگر هر یک احمد شاه رمضان ۳۸ رأی، مهندس محمد افضل احمد زی ۱۳ رأی ومحمد علم ایزد یار ۹ رأی به دست آورد.

وبرای احراز مقام معاون دوم مجلس سنا (مشرانو جرگه) ۹ تن از سناتوران خود را کاندیدا نموده بودند که دکتر برهان الله شینواری با به دست آوردن ۲۴ رأی به این مقام دست یافت ودیگر کاندیداها هر یک سید عبد البصیر احمدی ۱۳ رأی ،قربانعلی عرفانی ۱۳ رأی، خانم صدیقه بلخی ۱۲ رأی، دکتر زلمی ۱۲ رأی، محمد عمر صمیم ۱۱ رأی، خانم حبیبی ۸ رأی، دکتر شاه بی بی ۵ رأی، وعبد الباقی بریال ۳ رأی به دست آوردند.

در سومین جلسهٔ مجلس سنا (مشرانو جرگه) بعد از ظهر چهار شنبه ۳۰ قوس منشی و معاون منشی انتخاب گردیدند به خاطر احراز کرسی منشی سه نفر خودرا کاندیدا نموده بودند. پوهنیار امین الدین مظفری با کسب ۳۸ رأی بحیث منشی انتخاب گردید و دوکاندیدای دیگر هریک مهندس محمد هاشم اورتاق ۳۴ رأی وریدا عظیمی ۲۶ رأی به دست آوردند.

در یک رأی گیری دیگر عبد الخالق حسینی با کسب ۴۱ رأی به عنوان معاون منشی انتخاب گردید و دو کاندیدای دیگر هریک محمد ناصر عطایی ۳۲ رأی وخانم شیرین پارسا ۲۵ رأی به دست آوردند. با انتخاب منشی و معاون منشی هیأت اداری پنج عضوی مجلس سنا (مشرانو جرگه) تکمیل گردید.

به تاریخ اول وسوم جدی جلسهٔ مجلس سنا (مشرانو جرگه) به ریاست صبغت الله مجددی برگزار گردید. دراین جلسه در مورد نظریات وپیشنهادهای سناتوران در امور رهایشی وترانسپورتی واحتمالا رخصتی زمستانی بحث صورت گرفت در اخیر فیصله شد که موضوع از طرف کمیسیون مشترک هردو شورا بررسی شود.

درهمین جلسه کمیسیون بررسی اصول وظایف داخلی مجلس سنا (مشرانو جرگه) تشکیل جلسه داد وبه خاطر پیشبرد امور خود پوهاند عبدالله حقایقی را به حیث رئیس ومحبوبه حقوقمل را به حیث معاون و نجیبه حسینی را به عنوان گزارشگر کمیسیون انتخاب نمودند.

قرار است این کمیسیون دربارهٔ اصول وظایف داخلی مجلس سنا (مشرانوجرگه) بحث نموده وآن را به جلسهٔ بعدی مشرانو جرگه ارائه نماید.

به تاریخ ۴ جدی اعضای مجلس سنا (مشرانو جرگه) در دوبخش روی مسائل اداری ولایحهٔ اصول وظایف داخلی به بحث پرداختند.

و به تاریخ ۵ جدی هم چنان بحث دربارهٔ مسائل اداری آغاز شد. **مسعود**

مشابهت های پارلمان دو کشور

افغانستان و عراق

عبدالعلی گوهی

افغانستان و عراق دارای ریشه های قدیم و کهن تاریخی اند. عراق تمدن حوزهٔ دجله و فرات را با خود دارد، و تمدن اسلامی که عهد طلایی آن راعهد عباسی ها می سازد از همین سرزمین قد برافراشته است. بغداد مرکز و خزینهٔ حکمت و فلسفه در جهان محسوب می گردد. بحث های جدلی، کلامی، فلسفی و علمی در این سرزمین آغاز یافت. انجمن ادبی مرید جانشین سوق عکاظ در عراق گردید. زبان، فرهنگ و زیبایی های زبان عربی در این قلمرو به بالندگی وشگوفایی رسید. مکتب های ادبی بصره و کوفه که از شهکار های جهان اسلام و عرب محسوب می شود، در این کشور فعالیت داشته اند.

گفته می شود که بغداد محل تلاقی فرهنگ شرق است. بغداد دارای چند ویژگی بوده است که نمی شود از کنار آن به سادگی گذشت! اول مرکز خلافت اسلامی است، از جانب دیگر بغداد به شرق، یعنی مداین و خراسان نزدیک است. بغداد را سرزمین شعوبی ها گفته اند. طوری که اقوام غیر عرب در این شهر سکونت اختیار کردند، به تجارت پرداختند و صنعت و هنر آفریدند، خون عراقی هابا مردمان خراسان، ایران، هند و دیگران آمیخته است.

گفته شده است که نخستین جوانه های نظم گونه های زبان دری در این سرزمین به وجود آمده است. به حوالهٔ طبری و ابوالفرج اصفهانی وقتی عبیدالله بن زیاد امیر بصره در روزگار بنی امیه به شاعر عرب خشمگین می شود و دستور می دهد تا شاعر را به کوی و برزن بصره بگردانند، کودکان در قفای او فریاد می زدند و به دری می پرسیدند، "این شیست؟ این شیست؟" شاعر به زبان دری جواب داد. "آب است و نبیذ است، عصارات ذبیب است، سمیهٔ روسپید است". این سرزمین بسیاری از تمدن ها را در خود داشته است. دارالحکمه بغداد، نظامیهٔ بغداد، انجمن های ادبی، مراکز ترجمه، مراکز نشر کتب وغیره از شهکارهای عراق پس از اسلام است.

اما افغانستان نیز از چنین ویژگی هایی برخوردار است، قبل از همه محل تلاقی هنر یونانی و بودی است. مرکز تلاقی جهان گردان، و در عهد اسلامی یکی از مشعل داران بلامنازع انتقال فرهنگ اسلامی و ادبیات اسلامی به شبه قارهٔ هند محسوب می شود و همین افغانستان محل سرکوب و قبرستان تجاوز گران نیز بوده است.

افغانستان و عراق در برهه های مشخصی از حیات سیاسی و اجتماعی خویش دارای تلخی ها و مرارت هایی بودند، هر دو کشور استبداد را تجربه کرده اند. کودتاها را پشت سرگذارده اند و سرکوب ها را دیده اند.

در چند دههٔ اخیر هر دو کشور نظام تک حزبی را در تجربهٔ خود دارند.آن گونه که اسناد نشان می دهد، بدون موجودیت عضویت حزب بعث صدام حسین کسی نمی توانست کار آبرومند در دستگاه طویل و عریض عراق به دست بیاورد. همین گونه در حاکمیت حزب دموکراتیک در افغانستان وضع چنین بوده است. هر دو کشور در جهت آزادی قربانی فراوان داده اند. در افغانستان با دادن قربانی فراوان، توانستند آزادی خویش را از استیلای کمونیزم جنگی در اوج جنگ سرد به دست آرند و آزادی افغانستان مقارن پایان جنگ سرد در جهان است. امروز در عراق مخالفان می رزمند و در افغانستان مخالفان داخلی می خواهند یک بار دیگر کشور را مرکز تروریزم بسازند و دوام خشونت را از سربگیرند. اما دیکتاتور عراق در حبس به سر می برد، در حالی که دیکتاتور افغانستان آزاد بوده و جبههٔ شرارت را رهبری می کند.

پارلمان افغانستان و عراق نیز مشابهت هایی به هم می رسانند، هر دو کشور تحت اشراف و

جای شگفتی است که در متن جامعه طرفداران دموکراسی غربی کم تر بوده و عمدتاً مردمان هر دو کشور جانبدار عدالت اسلامی در کشورهای خویشند، نه دموکراسی غربی

سرپرستی نیروهای خارجی توانستند انتخابات پارلمانی را سازمان دهی نمایند. در هر دو کشور نیروهای بین المللی، امریکا و نیروهای حفظ صلح ملل متحد وجود دارد، آن هم به بهانهٔ استقرار صلح، ثبات، عدالت اجتماعی و تأمین دموکراسی.

جای شگفتی است که در متن جامعه طرفداران دموکراسی غربی کم تر بوده و عمدتاً مردمان هر دو کشور جانبدار عدالت اسلامی در کشورهای خویشاند، نه دموکراسی غربی. خارجی ها با فشار می خواهند دموکراسی را در این دو کشور پیاده نمایند، بدون این که در متن جامعه جایی برای آن سراغ گردد. در حالی که در این دو کشور دموکراسی یک واژهٔ آرمانی برای آنها نیست، جز ثبات و استقرار. عراقی ها با چنان حرارت به جبهات جنگ می روند که گویا امیدی جز جنگ برای نجات وجود ندارد، طوری که در حاکمیت حزب دموکراتیک حضور نیروهای خارجی در افغانستان، مردم این کشور چنین تصوری را داشتند.

اما انتخابات در عراق، با عراق جدید عنوان گردید که امید می رود دولت ملی تشکیل شود. مطبوعات عرب و کشورهای خلیج انتخابات عراق را امیدوار کننده خواندند و امید آن می رود که مسیر آیندهٔ عراق را این انتخابات پارلمانی تغییر دهد و شرکت کنندگان این انتخابات در موازنهٔ قدرت سهم بگیرند، و زمینهٔ خروج نیروهای خارجی فراهم گردد. هر قدر امریکایی ها بهانه هایی برای حضور خویش در عراق جستجو نمایند، به همان قدر خون عراقی هاو امریکایی ها در این سرزمین خواهد ریخت. امید آن موجود است، تا این پارلمان بتواند، از همه مهم تر راه های خروج نیروهای خارجی را از کشورخود فراهم سازد؛ زیرا مردم عراق به هیچ چیزی جز خروج نیروهای خارجی و به هیچ وعده یی چون: دموکراسی، بازسازی، جامعهٔ مدنی وغیره راضی نخواهند شد.

در انتخابات پارلمانی در افغانستان تمام اتنی های بزرگ و کوچک و طرفداران مذاهب مختلف دینی اشتراک ورزیدند که گامی است امیدوار کننده. همین گونه شیعیان عراق با سنی ها و کردها در حوزه های انتخابات حضور یافتند. انتخابات پارلمانی در افغانستان و عراق بدون کدام حادثهٔ خونین به پایان رسید، گرچه هر روز در عراق حادثه است هر روز جنگ و نبرد است ولی با آن هم مردم در انتخابات شرکت ورزیدند و امید آن موجود است که نتایج انتخابات با وجود تقلب و کاستی ها در عراق پذیرفته شود، طوری که در افغانستان با وجود تقلب در انتخابات نتایج آن پذیرفته شد و پارلمان آغاز به کار کرد.

افغانستان و عراق در فرجام در نتیجهٔ این انتخابات از یک استبداد رهبری نجات می یابند در هر دو کشور نیروهای خارجی وجود دارند، حال امید آن موجود است که در یک جدول زمانی خروج این نیروها از نظر زمان ، اوضاع و شرایط موجود این کشورها قانون مند گردد و جناح های درگیر تشویق گردند تا به سوی محو خشونت گام هایی مؤثر بودارند. اما بحرانی که در کشور عراق وجوددارد، در افغانستان موجود نیست. زیرا عراقی ها همه به یک صدا حضور نیروهای خارجی را در کشورشان مردود می شمارند و موجودیت این نیروها حساسیت های بزرگی را در این کشور به وجود آورده است ولی نیروهای خارجی در افغانستان نه تنها وظیفهٔ تأمین امنیت را به عهده دارند، بلکه در امر بازسازی نیز سهم می گیرند ولی چنان حساسیتی که در عراق در برابر آنها وجود دارد، در افغانستان وجود ندارد. اما اگر این نیروها ظرف سال های اخیر نتوانند صلح سراسری را به کشور بازگردانند و جاده های عمومی با امن نگردد و جامعهٔ قانون مندبه وجود نیاید، به یقین به میزان حساسیت ها افزوده خواهد شد و مردم به نیروهای ملی و داخلی پناه خواهند برد و یا جبههٔ مخالفان در داخل دستگاه دولت تقویت خواهد شد و دولت در این صورت ناگزیر خواهدبود، به پاره یی از خواسته های مخالفان تن در دهد و قدرت را با آنها تقسیم کند، چیزی که هم اکنون بوی آن استشمام می گردد.

د جدي د شپږمې په باب د څو لنډو ټکو یادونه

ز.کوخیل



کــه موږ دخپــل گــران هیــواد ویــاړلی تــاریخ تــه یوځغلنــده نظــر وکړو، جوتیــږي ،چــې دتــاریخ پــه اوږدوکــی ددې هېــواد اوخلکــو پــر خــلاف ډیرونږیوالــو تیــری کوونکــو خواکونــو پــوځی تیــری کــړی،ددې هېــواد او خلکــو تــول ارزښتونــه اوشــتمنی پــه وار وار لــوټ شــوی اولــه منځــه تللــی دی چــې ښــه بیلگــه یــې پــه تیــره عیســوی پیــری کــی زمــوږپر هېــواد اوخلکــو دوخــت انګریــزي ښکیلاکګــر قــوت پــوځی تیــری یــادولی شــو انګریــزي نیــواکګرو دری ځلــی زمــوږپرخــاوره پــوځی تیــری کــړی،خودافغــان مجاهــد ولــس دمقاومــت پــه پایلــه کــې نــه یــوازې ددې خــاوری پرېښودوتــه اړشــویدی، بلکــی پــه نړیــوال ډګــرکې یــې دواك اواقتــدار لمــن ټولــه شــوی اوهغــه امپراطــوری یــې ،چــې لمــر بــه پکــې نــه ډوبیــده، دړی وړی شــوی او تــرښکیلاك لانــدی سیمی اوهېوادونه یې یوپربل پسې له لاسته ورکړیدی.

دحیرانــی خبــره خــوداده،چې دهمغــه پیــړی پــه وروســتیوکې روســانو هــم ،پرتــه لــه دې ،چــې دافغــان ولــس ټینګــه عقیــده ،ســپیڅلی اســلامی ارزښتونــه اودخپــل هېــواد لــه خپلــواکې ســره ددوی بــې کچــه مینــی تــه پاملرنــه وکــړی اوخولــسیزی وړانــدې دانګریــزی اســتعمار برخــه لیــك څخــه یــې یوڅــه زده کــړی وای ،پــه داســی حــال کــې ،چــې ترغــوږو پــه عصــری اوپرمختللــی وســله ســمبال وو د ۱۳۵۸ هــل کــال دجــدی پــه شــپږمه نیټــه پــه ډیــرې بــی پروایــې اوغــرور ســره پــه ناڅــایی توګــه دملخیــو(ملخ) پــه شــان پــه دې خــاوره راوغورځیــدل،بی لــه شــکه دا ورځ دهېــواد پــه تــاریخ کــې دیــوې تــورې ورځــې پــه نــوم نومــول شــوی اوثبــت شــویده. دیــادونې وړده،چــې دروســانو پــوځی یرغــل نــه یــوازې بــی لــه ځنــډه دافغانــانو لــه کړکــی اوکلــك مقاومــت ســره مخــامخ شــو ،بلکې دنړیوالــو کرکــه اوغوصــه یــې هــم را وپارولــه او نړیوالــو پــه اوچــت غږلــه دوی څخــه کرکــه او د افغــان مجاهــد ولــس دخپلواکــی لــه مبــارزې څخــه ټینګــه پلــوی وکــړه.پــه پایلــه کــې ددې خــاوری دقهرمــان ولــس دبــی ســاری قربــانی پــه ورکولوســره روســان بــی لــه دې ،چــې کومــه کــوچنی، لاســته راوړنــه ولری،تیښتــی تــه اړشــول روســان هــم دانګریزانــو پــه شــان نــه یــوازې داچــې زموږپــه ګــران هېــواد کــې لــه شــرمونکې مــاتی ســره مخــامخ شــول، بلکــې پــه نړیــوال ډګــر کــې یــې لویــه امپراطــوری تــوتی تــوتی شــوه د منځنــی آســیا دروســی تــر ښکــیلاك لانــدې ډیــرو ولســونو پــه ډیــره لــږه مــوده کــې یوپــه بــل پســې خپلــه خپلــواکې تــر لاســه کــړه.پــه اروپــاکې هــم دبــرلین دیــوال ړنــګ اودروســانو نړیوالــه واکمنی پای ته ورسیده.

پــه پایلــه کــې ویلــی شــو ،چــې افغانــانو دلــوی خدای ج پــه مرســته دخپــل قــوی ایمــان پــه لرلــو او دبــی ســاری قربــانې د ورکولــو پــه نتیجــه کــې لــه یــوې پیــړۍ نــه پــه کمــه مــوده کــې دنــړۍ دوه ســترقدرتونه لــه پښتوغورځول.

گفتند و ...

این سخن خانم بارکزی آدمی را به یاد داستان حاجی گلستان و حاجی مقیم می اندازد. حاجی گلستان رئیس تیم بزکشی قندز بود و حاجی مقیم رئیس تیم بزکشی بلخ. وقتی تیم های بزکشی ولایات در اواخر پادشاهی محمد ظاهر شاه به کابل آمده بودند، هر شب پس از نماز حاجی گلستان در ضمن دعاهایش می گفت: "یارب العالمین کپ (جام قهرمانی) را بگیریم".

مسابقه به پایان رسید و جام قهرمانی را تیم بلخ گرفت. شب آن روز دیگر حاجی گلستان در دعاهایش نگفت که یارب العالمین کپ را بگیریم. یکی از حاضران گفت جناب حاجی صاحب امشب از کپ چیزی نگفتی؟ حاجی گلستان پاسخ داد: "کپی چه، یک تفدانی دیگه".

***

سرگردانی "وطندار" در میان وحدت ملی و خیانت ملی!

هفته نامهٔ وطندار در شمارهٔ ۶۵ (۴جدی) خود به مسائل و موضوعات و حوادث پارلمان کشور پرداخته است ولی مانند اربابش حوادث و نتایج آن را با حیرت و سرگردانی بحث کرده است. گاهی حضور جنگ سالاران را ستوده و گاهی آنان را به تیر اتهام بسته است. کنار آمدن حاجی محقق با استاد سیاف را رفتن به سوی منافع ملی خوانده است و وحدت و همدلی استاد ربانی و قانونی را توطئهٔ زبانی و سمتی و نژادی برضد منافع ملی! و در عین صفحه در یک مطلب مستقل دیگر آقای محقق را "خائن به آرمان های مردم هزاره" گفته است.

شاید راز این سر در گمی و گمراهی و طندار، در سر درگمی و حیرت گروه فاشیست حاشیهٔ رئیس جمهور باشد. واقعاً حوادث انتخابات درون پارلمان و رئیس شدن آقای قانونی این گروه را به حدی به غیظ آورده است که حتی جناب رئیس جمهور هم نمی تواند به آنان مواسات نکند! به همین دلیل رئیس جمهور به کرات قرار گرفتن آقای محقق در کنار استاد سیاف را ستایش می کند و در جهت منافع ملی می خواند و پیوستن آقای قانونی را به جمعیت و حمایت جمعیت از او را می نکوهد و آن را منافی وحدت ملی می گوید و جمعیت را به ملی کار نکردن متهم می کند.

به یقین منافع ملی در اندیشهٔ حاشیهٔ رئیس جمهور و بالتبع در دید وطندار منافع همان گروه ویژه است که هرکس در جهت آن گام زد به منافع ملی و وحدت ملی کار کرده است و هرکس جز آن کرد برضد منافع ملی!

راستی وقتی آقای محقق با چند نفر هزاره به استاد سیاف رأی داد وحدت ملی شده است اما زمانی ۱۳۲ پشتون و هزاره و اوزبیک و تاجیک و بلوچ و... به قانونی رأی دادند، ضد وحدت منافع ملی کار کرده اند!

چه کسی غیر از آقای رئیس جمهور می تواند از ملی بودن و فراقومی و فرازبانی و فرامذهبی بودن جمعیت انکار ورزد. مگر نه این بوده است که از همهٔ اقوام کشور در همهٔ سطوح جمعیت کسانی همیشه حضور داشته اند و جمعیت در کندهار چنان نیرومند بوده است که در بدخشان و پنجشیر.

شاید مراد آقای کرزی از ملی بودن آنها بوده باشد، مانند همان احزابی که جبهات آنها را به سان قبر هندو در دوران جهاد و مقاومت کسی ندیده بود!

ما یقین داریم وطندار مانند آقای کرزی و حاشیه اش می خواهد بگوید هرچه باشد چون جمعیت و استاد به کاندیدای مورد حمایت حکومت رأی نداده اند پس کاری ضد وحدت ملی و منافع ملی انجام داده اند! آیا راستی وطندار جز این دلیلی دیگر برای این کار دارد؟! می ترسم وطندار برای این تعریفات از این مقوله ها از تألیفات ژان ژاک روسو و جفرسن و کارل پوپر و... شاهد نیاورد!

حج و اسرار مناسک آن



تلبیه تمام حاجیان را به پذیرفتن دعوت خداوند متعال متوجه می سازد و رغبت های آنان را از لحاظ فعل و اراده یک سان می نمایند و همه جامه یی یک رنگ به تن می کنند و پیوستن خویش را به خداوند متعال با تکرار تلبیه اعلام می نمایند

نوشتهٔ شیخ حسن الهادی

ترجمهٔ محمود الله فیروز

بدون شک حج یکی از بزرگ ترین شعایر و ارکان اساسی دین به شمار می رود و همان گونه که حج کردن یکی از بهترین اعمالی است که موجب تقرب به خداوند متعال می شود، انجام ندادن آن نیز گناهی بزرگ محسوب می شود و حتی سبب خروج از چهارچوب اسلام می گردد چنان که در قرآن کریم آمده است: "و هر کسی که انکار نماید، خداوند متعال بی نیاز از جهانیان است".

همچنان روایات متعدد بیانگر آن است که حج از پایه های اساسی اسلام است و هر کسی که در آیات قرآن و نصوص و سیرت پیامبران تدبر نماید، به این نتیجه می رسد که حج تنها به معنای انجام حرکاتی میان تهی از فلسفه و روح و عقل نیست بلکه حج دارای اسرار و حکمت هایی بسیار زیاد است که بر تمام ابعاد زندگی مسلمانان سایه افگنده است. قرآن مجید و گفته های پیامبر گرامی صلی الله علیه وسلم اسرار و اهداف بزرگ و تأثیر این عبادت را بر زندگانی انسان ها بیان می کند و زمانی که ما از لابلای آیات و احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم به اسرار و حکمت های حج پی بردیم، هرگز به ادای مراسم شکلی و افعال میان تهی از روح و اخلاص اکتفا نمی کنیم و همچنان به جز از ادای حج واقعی و حقیقی یی که با ادای آن اهداف دینی، ایمانی، سیاسی و اجتماعی این عبادت تحقق می یابد، راضی نمی شویم و برهمین مبناست که پیامبر صلی الله علیه وسلم به انگیزه های ادای مراسم حج در آخر زمان چنین اشاره می کند: طبقهٔ سرمایه دار از امتم، برای هواخوری و تفریح حج می کنند، طبقهٔ متوسط برای تجارت و مستمندان برای کسب شهرت حج می کنند.

بناءً بی مورد نخواهد بود که به برخی از اسرار این عبادت بزرگ نظر بیفگنیم:

-حج کردن بیانگر الگو بودن و پیشوا بودن ابراهیم علیه السلام برای خدا جویی است. زمانی که ما به سیرت ابراهیم علیه السلام نظر می افگنیم و کیفیت رهسپار شدن او با خانمش به مکه را مطالعه می کنیم می بینیم که این سفر سرآغاز واقعهٔ تقدیم پسرش به درگاه خداوند برای قربانی و نزول قربانی از آسمان است و همچنان سرآغاز بنای کعبه و انجام دادن حج می باشد که عوامل تکامل عبادت و سلوک روحانی و معنوی انسان را فراهم می کند و به این نتیجه می رسیم که عبادت کننده، هنگام عبادت خداوند متعال باید تمام تعلقات مادی را کنار بگذارد و برای پیوستن به ذات بزرگ و توانا از خلوص دل پرستش نماید.

-حج عامل پاکی نفس و رستن از پیوستگی های مادی و دنیوی چنانچه در بالا ذکر شد، شرط اساسی عبادت این است که عبادت کننده باید خود را از تمام وابستگی های مادی و دنیوی برهاند و روش بندگان نیک خداوند را اختیار نماید. چنان که امام صادق می گوید: "زمانی که قصد خانهٔ خدا را کردی قلبت را برای خداوند متعال بسپار و آن را از تمام وابستگی هایی که مشغولش می سازد، آزاد کن و پس از آن با آب توبه یی که هیچ گونه آلودگی به گناه نداشته باشد غسل کن و دنیا و راحت را کنار بگذار".

-حج توبه کردن و بازگشتن به سوی خداوند متعال است. علی بن حسین می گوید: "زمانی که به میقات فرود آمدم، نیت کردم جامهٔ گناه را از تن بدر کنم و جامهٔ عبادت و طاعت را به تن کنم... همچنان زمانی که غسل می کردم نیت کردم که از گناهان خود را شستشو دهم و بالآخره زمانی که احرام بستم نیت کردم که خویشتن را از همهٔ آنچه که خداوند بر من و بندگانش هنگام اجرای این عبادت حرام گردانیده است دور نگه دارم.

-حج تلبیه و اعلام پیوستن به خداوند متعال است. حاجی سوی خانهٔ خدا تلبیه کنان می شتابد. تلبیه کلید حج است و به جز از شیوه حاجی نمی تواند به انگیزهٔ این عبادت روحی پی برد و حاجی تا زمانی که قلبش را آماده تلبیه گفتن نسازد نمی تواند توانایی پیوستن را به خداوند متعال ابراز نماید در این صورت او با تمام انگیزه و احساس خداجویانه از ته دل به دعوت خداوند لبیک می گوید. بناءً تلبیه یک عمل قلبی است که هنگام تلبیه گفتن حاجی باید از تمام چیزهایی که قلبش را مشغول می سازد، فارغ شود تا به دعوت خداوند متعال با حضور و توجه قلبی کامل لبیک گویان به آن ذات پروردگار بپیوندد.

آثار ایمانی و تربیتی تلبیه

• با تلبیه حاجی از میقات از تمام تعلقات دنیوی و مادی جدایی می یابد.

• تلبیه تمام حاجیان را به پذیرفتن دعوت خداوند متعال متوجه می سازد و رغبت های آنان را از لحاظ فعل و اراده یک سان می نماید و همه جامه یی یک رنگ به تن می کنند و پیوستن خویش را به خداوند متعال با تکرار تلبیه دسته جمعی اعلام می نمایند.

• تلبیه نفاق و دو رنگی را از قلب های مسلمانان دور می کند و تکرار آن بنا بر روایاتی که آمده است موجب اتحاد و همبستگی مسلمانان می شود.

• تلبیه موجب پاکی قلب می شود. حاجی زمانی که به دعوت خداوند متعال لبیک می گوید خویشتن را وادار به پیوستن به خداوند متعال می نماید و همچنان قلبش را از تمام چیزها فارغ می کند به جز از ندای "لبیک اللهم لبیک" و اعتراف به یگانگی پروردگار آفریدگار که منتهای خلوص در مسیر بازگشت به خداوند متعال می باشد.

دیدگاه های اعضای مجلس نمایندگان ...

سلطان محمد اورنگ نمایندهٔ ولایت بدخشان:

رؤسا ومعاونان پارلمان به آرای وکیل ها انتخاب شده اند واین انتخابات سری بود هر وکیل به تصمیم و به ارا دهٔ خود رأی خودرا به شخص مورد نظرداده است باید به این آرا ارج گذاشته شود وهم چنان این انتخابات عاری ازهرگونه تقلب وغش بوده ومورد تأیید همگان است.

درمورد قانون اساسی باید گفت که برخی از مواد قانون اساسی که درلویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی مورد تأیید وکلا قرارگرفت باقانون اساسی فعلی توشیح شده تضاد دارد باید وکلای هر دو شورا هر دو نقل قانون را جمع نموده مقایسه کنند وقانونی که درلویه جرگه تصویب شد همان قانون به دسترس مردم قرارداده شود وهمان نسخه مورد اجرا قرارگیرد واشخاصی که بعدازلویه جرگه دراین قانون اساسی ماده هایی را زیاد نموده اند باید مورد بازپرس قرارگیرند. موضوع حضور نیروهای خارجی درمملکت موضوع بس مهم است باید ازاین موضوع سطحی گذشته نشود و درپارلمان در این مورد تصمیم گرفته شود و در مورد تعطیلی زمستانی درولسی جرگه هیچ بحث نشده واین حرف ها شایعاتی بیش نیست.

وقتی که نمایندگان منتخب مردم به پارلمان آمده اند باید برای شان مجال داده شود که به کارخود ادامه بدهند تا حداقل برای فردا دست آوردی داشته باشند. وکلا مهمان نیستند، نمایندگان منتخب مردم هستند واین پارلمان مانند خانهٔ مردم است و نباید تعطیل شود.

محمد عالم ساعی نمایندهٔ مردم تخار:

درمورد انتخاب رئیس ومعاونان، منشی ونائب منشی گفته می توانم که اصول مستقیم وسری بودن انتخابات عملی شد. وبه صورت شفاف درحضورداشت نمایندگان کاندیداها ووسایل اطلاعات جمعی رأی دهی و رأی شماری صورت گرفت که درتاریخ افغانستان سابقه ندارد.

گرچه قانون اساسی کشور مایکی از قوانین اساسی دموکراتیک در منطقه محسوب می شود اماشرایط ومقتضیات زمان ایجاب می کند که تعدیلاتی در آن وارد شود.

در مورد حضور نیروهای خارجی باید گفت که افغانستان امنیت خویش را به واسطه نیروهای حافظ صلح وجامعهٔ جهانی تأمین می کند. فاصله میان حکومت ومردم به فرسخ هاست. تازمانی که مردم حکومت را ازآن خویش ندانند وهمکاری مستقیم درتأمین امنیت نداشته باشند نیاز به وجودنیروهای خارجی محسوس خواهدبود.

فکر می کنم که پارلمان تعطیل می شود اما تعطیل آن، بدون کارمداوم درست به نظر نمی رسد و شخصاً من طرفدار تعطیل قبل ازآغازکارنیستم.

سید آغاز نمایندهٔ ولایت بغلان:

انتخاباتی که در مورد تعیین رئیس ولسی جرگه برگزار شد، در یک فضای آزاد و دوستی صورت گرفت ما وکلا از این وضعیت راضی هستیم.

او همچنان در مورد قانون اساسی گفت که در این مورد بحث کردن قبل از وقت است. اولا باید در مورد طرز العمل ولسی جرگه بحث شود بعداً در مورد اصلاحات در قانون اساسی تصمیم گرفته شود.

در مورد پایگاه های نیروی های خارجی باید گفت: بودن خارجی ها در افغانستان، موضوعی است که همواره مورد بحث گروه های مختلف در افغانستان بوده است ولی نظر من در این مورد این است که باید تمام وکلا با هم مشوره نمایند و تصمیم بگیرند.

در مورد تعطیلات زمستانی گفته می توانم که تا هنوز برای ما در این مورد چیزی گفته نشده ولی اطمینان دارم که تعطیل نخواهد شد زیرا که پارلمان کارهای ابتدایی اش را آغاز کرده است بناءً تعطیل کردن آن به سود مردم نیست و همچنان ما در پایان سال جاری قرار داریم بناءً پارلمان باید قبل از شروع شدن سال جدید به بررسی مسائلی بپردازد که به بحث نیاز دارد.

پیرم قل ضیایی نمایندهٔ ولایت تخار:

انتخابات رؤسای مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) و مجلس سنا (مشرانو جرگه) و معاونان آن ها یک انتخابات آزاد بود و بدون هیچ گونه تقلب و جعل به پایان رسید.

در مورد بررسی مواد قانون اساسی باید گفت: موادی که به اصلاحات نیاز دارد، باید اصلاح شود و بررسی تمام مواد قانون اساسی و آوردن اصلاحات در تمام آن مشکلاتی را به بار خواهد آورد.

در مورد پایگاه های نیروهای خارجی باید بگویم که ما اکنون در وطن خود اردوی ملی و پلیس ملی مستحکم نداریم بنا بر این اولاً باید اردو و پلیس ملی تشکیل شود و سپس در مورد وجود پایگاه های خارجی بحث صورت گیرد.

در مورد تعطیلات زمستانی باید بگویم که پارلمان افغانستان پس از تحمل ۳۰ سال مشقت و رنج به وجود آمده است بناءً تعطیل نمودن آن به بهانه های مختلف زیانبار است و این کار بدین معناست که ما یک مریض را نزد دکتر ببریم ولی بدون مداوا از نزد دکتر بازبرگردانیم.

احمدالله مسعود

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال چهارم شمارهٔ ۳۱ چهار شنبه ۷ جدی ۱۳۸۴ ۲۷ ذی القعده ۱۴۲۶ — 28 December 2005

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند

● مطالب آمده مسترد نمی گردد .

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضاي خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قران قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالي ترين آرزوهاي ملت

گفتند وشنیدیم!

ابوبکر سبزوار وصادق راستگو

رابطه بین گستاخی و دموکراسی

در انتخابات ریاست مجلس سنا (مشرانو جرگه) دو تن از بی ادبان با گستاخی تمام خود را در برابر جناب حضرت صاحب کاندیدای ریاست نمودند و نزدیک بود آن جناب را از این کرسی محروم سازند. جناب شان سخت برافروخته گردیدند و با خشم تمام آن گستاخان را سرزنش زبانی فرمودند. جناب حضرت صاحب چونان مبلغی در مورد کارنامه های درخشان خود در دوران ماضی سخن گفتند که البته در مورد پاره یی از آن افتخارات هم جای سوال باقی است. به عنوان مثال ایشان فرمودند که من اولین رئیس جمهور کشور بعد از سقوط رژیم کمونیستی بودم. تا جایی که فکر قاصر بنده اجازه می دهد گمان می کنم که ایشان به عنوان ممثل شورای مجاهدین به کابل آمدند تا قدرت را از رژیم سلف تسلیم بگیرند و پس از دوماه به حکومت موقت تسلیم بدهند. ایشان حتی رئیس این شورا نبودند چه رسد به رئیس جمهور.

نکته، دیگر این که ایشان رقبای انتخاباتی را به گستاخی و بی ادبی در برابر محاسن سفیدان متهم کردند که البته درست است. دموکراسی تا جایی می تواند محلی از اعراب داشته باشد که به منافع بزرگان صدمه وارد نکند. مثل این که این مرز بندی ها را رقبا اصلا متوجه نبودند و از رابطه میان گستاخی و دموکراسی بی خبر بودند!

مجددی صاحب خود را فاتح کابل نیز خواندند. اما نگفتند با کدامین سپاه و جبهه وارد کابل شده بودند.

گجر جعلی!

طبق قانون اساسی،رئیس جمهور کشور یک سوم از اعضای سنا را از میان اشخاص خبره و با تجربه انتخاب می نماید. جناب کرزی هم فهرستی از اعضای انتصابی را به سنا معرفی فرمود. مشخص بود که جناب حضرت صاحب و حامد گیلانی غرض دستیابی به ریاست و معاونت سنا معرفی شده اند.

گذشته از این که اکثریت اعضای این فهرست را نمی توان خبیر به معنی اصلی کلمه خواند، مشکل دیگری که در این فهرست به وجود آمد این بود که یکی از اعضا به عنوان نماینده، قوم گجر معرفی شده بود درحالی که وی گجر نبود.

به یاد گذشته ها افتادم. سال ها قبل (روتسکوی) معاون رئیس جمهوری روسیه غرض ملاقات با رهبران مجاهدین به پاکستان آمد. و آقای مجددی برای نشان دادن حسن نیت مجاهدین، یک اسیر روسی را به وی سپرد. روتسکوی با شادمانی همراه با اسیر به ماسکو رفت و اسیر را در برابر خبرنگاران قرار داد. اسیر مذکور گفت که وی نه روسی بلکه افغانستانی است!

کرزی هم شاگرد حضرت مجددی است. وقتی استاد بتواند اسیر روسی جعلی درست کند آیا شاگرد نمی تواند یک گجر جعلی را به عنوان وکیل انتصابی به مجلس سنا (مشرانوجرگه) معرفی نماید؟!

رخنهء جاسوسان در دستگاه دولت!

جناب رئیس جمهور در ضیافتی به افتخار نمایندگان پارلمان فرمودند که وجود جاسوسان خارجی در دستگاه دولت قابل تحمل نیست و من دو تن از این جاسوسان را از مقام های بلند دولتی برکنار نمودم اما نام ایشان را افشا نکردم. آفرین بر نظر نیک و خطا پوشت باد!

در این رابطه این سوال ها در ذهن به وجود می آید که آیا رئیس جمهور بر طبق قانون اساسی حق دارد تا مجرمان بزرگی چون جاسوسان را بدون سپردن به قضا و قانون خود مجازات یا عفو نماید؟ چه حکمتی در افشا نکردن نام های این بزرگان نهفته است و به نفع کدام کشور خارجی جاسوسی می نمودند؟ آیا آنها در هنگام سبکدوش شدن از وظیفه به گناه خود پی بردند یا نه؟

رئیس جمهور با این سخنان در حقیقت همه کسانی را که در طول چهار سال گذشته در پست های عالی دولتی کار کرده اند و اکنون خارج از دولتند در معرض اتهام قرار می دهد. همین اکنون جمعی از وزرا و معینان سابق وجود دارند که در مظان اتهامند. آیا جناب رئیس جمهور به عواقب این سخن توجه دارند؟!

آیا هدف از عنوان نمودن دو جاسوس در دستگاه دولت به این معنی نیست که دیگر جاسوسی در این دستگاه وجود ندارد و باید خیال وکلای پارلمان از این نظر راحت باشد؟!

کدام یک،
جام قهرمانی یا یک تقدانی؟!

خانم شکریه بارکزی یکی از چهره های معروف در دو سه سال اخیر در کشور است. وی اکنون عضو مجلس نمایندگان است و کاندیدای ریاست شورای ملی نیز بود. وی پس از نه رأی آوردن در ردیف آخر بازندگان قرار گرفت. پس از این ناکامی در یکی از افادات شان گفتند که ریاست پارلمان یک مقام سمبلیک و غیر مهم است و رئیس پارلمان هیچ کاری را نمی تواند انجام بدهد. معلوم می شود خانم بارکزی برای به دست آوردن این مقام بی اهمیت این قدر تلاش کرد، اگر اهمیت می داشت چه؟ ص۶

وزیران خارجهٔ ایران و افغانستان همکاری های کنسلی امضاء کردند



وزیران خارجهٔ ایران و افغانستان در کنفرانس خبری در کابل

منوچهر متکی، وزیر خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران در اولین سفر خود به کابل در روز دوشنبه ۵ جدی با حامد کرزی، رئیس جمهور، محمد یونس قانونی، رئیس مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) و صبغت الله مجددی، رئیس مجلس سنا (مشرانو جرگه) دکتر عبدالله، وزیر خارجه، دیدار و گفتگو کرد.

این سفر به دعوت دکتر عبدالله، وزیر خارجهٔ افغانستان صورت گرفته است.

آقای متکی، عالی رتبه ترین مقام دولت جمهوری اسلامی ایران است که پس از انتخاب محمود احمدی نژاد به مقام ریاست جمهوری آن کشور به افغانستان سفر می کند.

آقای متکی در این سفر، قرارداد همکاری های کنسلی را نیز با وزیر خارجهٔ افغانستان امضا کرد که بر اساس آن، کنسولگری های افغانستان و ایران و در دو کشور افزایش خواهد یافت.

ایران هم اکنون در شهرهای کابل، قندهار، مزار شریف و هرات کنسولگری دارد.

دکتر عبدالله، وزیر خارجهٔ افغانستان در یک کنفرانس مشترک خبری با آقای متکی در کابل کمک های ایران طی چهار سال گذشته به کشور را ستود و گفت که دولت ایران، به تمامی وعده های خود در برابر افغانستان وفا کرده است.

آقای عبدالله ابراز امیدواری کرد که ایران در کنفرانس لندن که قرار است اواخر ماه جنوری ۲۰۰۶ در بارهٔ افغانستان برگزار شود نیز نقش فعالی را بازی کند.

اوسنی پارلمان باید دملي یوالی سمبول وی

ذبیح الله اتل

څرګنده ده چې زموږ دهېواد اساسي عامل چې هغه یې دنړۍ دپرمختګ له کاروان څخه وروسته پاتې کړي اوو کړې یې دژوندانه په چاپېریال کې له راز راز ستونزو اوکړاونو سره مخ کړي هغه دملي یوالي نشتوالي ده.

له همدې امله زموږ ټولنه دیولړ داسې ستونزو سره مخ شوي ،چې که دغه اصل ته ځانګړې پاملرنه ونشي نوویلاي شو چې هغه دچاخبره زموږهېوادبه بیاهم دنورو ،دلوبومیدان وي اوددې مظلوم هېواد وګړوبه زخمونو به دپټې پرځای ملګه ودوړېږي اوهېوادبه مویوځل بیادنورو دښکارګوله شي زموږله شخړوڅخه به دهېواد دښمنان دخان په ګټه یوځه ترلاسه کړي .دتاریخ په اوږدوکې افغانانو داثابته کړي چې که یې په خپل منځ کې هرڅومره شخړې اوستونزې موجودې وي خودپردیو یرغلګروپه مقابل کې یې لاسونه سره یوکړي اودمیړاني اوزړورتیاپه لرلوسره یې هیڅ وخت ددښمن په مقابل کې سر ندی ټیټ کړي اوتل یې ددې په خاطر چې دنورو دواکمنې څخه خلاص شي خپل سرونه قرباني کړي اوخپل سیني یې دوطن څخه ددفاع په خاطر سپرګړه ولي دي .په تاسف سره ویلای شو،چې ددې هېواد اوسیدونکو دپردیودمغرزانه لاسوهنو له امله ددې مجال ندی پیداکړې چې دخپل هېواد په جوړیدو کې فعاله ونډه واخلي اودپرمختګ په لور پیاوړې ګامونه پورته کړي . اوس چې دهېواد په بیارغونه کې هم بهرني هېوادونه په دې پوهیدلي چې نړۍ ټوله دیوه کورپه شان ده اوپه هرګنج اوکنارکې ناارامي نه یوازې دهغه هېواد په تاوان بلکه دنوروهېوادونو لپاره هم دخطر سبب کیدای شي نوله دې امله بهرنیانو زموږدهېواد په جوړیدوکې لېڅې رانغښتې اودهغوی دپاملرنې له امله دهېواد په هره برخه کې یولړ پرمختګونه رامنځته شوي اوزموږخلک هم په دې پوهیدلي چې دټولوټولنیزو اودهېواد په سطح دشخړو دپای ته رسیدو لپاره اوهمدارنګه دهېواد دپرمختګ ،دسولې اوثبات لپاره یوازني شرط په هېوادکې دملي یوالي تامینول دي . خلک دپارلمان څخه غواړي چې ملي یوالي ته ځانګړې پاملرنه وکړي اونو دتعصوبونو له کړي څخه دهېواددوګړو په ایستلوکې رغنده ګامونه واخلي اوله نظرڅخه دعمل په کولو پیل وکړي دوي دنوردتش په نامه شعارونو اووعدوڅخه چې دعمل هیڅ جنبه یې نه ترسترګو کیږي ستړي شوي اوغواړي نورپه عمل کې دهېواد په بیارغونه کې دهڅواوپرمختګونو شاهیدان واوسي

دهېواد مظلوم وګړي پوهیږي چې همدااوس په پارلمان کې څوک شامل دي اودهغوی کړه دهېواد په بیارغیدواوجاړتیاکې ورته ښکاره دي پرته له دې چې نوردهغوی په اړوند تبصرې وکړي اودهغوی دخیروپه پېژندولوکې نوروته معلومات ورکړي خویه موجوده شرایطو کې یوپل ته ګوت څنډنه به دګټې پرځای ملت ته چې دناوړه شرایطو له اغیزې څخه اوس هم لاته دي خلاص شوي تاوان څه ،چې تاوانونو وړیه برخه کړي .

پارلمان په هېوادکې ددې په خاطر جوړ شو چې هېواد مووروسته پاتي کیدوله پړاو څخه دپارلماني کاندیدانو دهڅواوهاندپه کولو سره دپرمختګ په لوروهڅه و یاودخلکو ناسوړزړونوته پټې کیږدي دهېواد دوګړو ترمنځ یوځل بیادملي یوالي روحیه راژوندي کړي اوټول افغانان په یوه غږاویوه لار چې هم دهېواد دپرمختګ اوهم دیوه متې توب سبب شي ،پیاوړي ګامونه پورته کړي دوي هیله من دي چې پارلمان به دشخړواوستونزو دړابرسیره کولو پارلمان نه بلکه دیوه ښه ناظر په توګه چې وکولای شي ددولت په سطح اداري ستونزې حل ،دملي روحي په راژوندي کولو اوهم په هېواد کې دمختلفو میلیتونو دیوالي وړورولي اودیوه سالم اوکاري نظام په رامنځته کولوکې دقدروړپیاوړي ګامونه پورته کړي اوټولنه دموجوده ستونزو څخه خلاصه اودبهرنیو پرمختللو هېوادونو په کتارکې یې ودروي

حاجیان در سرزمین حرمین

یک زن حاجی دو فرزند به دنیا آورد

گزارشگر مجاهد از مکه مکرمه گزارش داد که یک زن افغانی که جهت ادای فریضه حج در برنامهٔ امسال وارد کشور عربستان سعودی شده است سه روز پیش در اثنای اقامت در مدینه النبی دو فرزند به دنیا آورد.هردو فرزند او دخترند. این حادثه توجه حاجیان افغانستان و مقامات وزارت حج و اوقاف سعودی را جلب کرده است. وزیر حج و اوقاف سعودی تیمناً این نوزادان را به تشرف نسبت به شهر پیامبر صلی الله علیه وسلم که آن را مدینه طاهره و مدینه طیبه می گویند طیبه و طاهره نام گذاری کرده است.

مسؤولان حج مورد ضرب قرار گرفتند

گزارشگر مجاهد همچنان گفت، دیروز چند تن از مسوولان امور حاجیان افغانستان از سوی حاجیان مورد ضرب قرار گرفتند.

گزارشگر مجاهد گفت: علت این حادثه، از سوی حاجیان عدم رسیدگی مسؤولان به امور آنان خوانده شده است اما مسؤولان گفته اند که این کار به دلیل فتنه انگیزی از سوی عناصر طالبان در میان حاجیان آمده از پاکستان صورت پذیرفته است.

گزارشگر مجاهد افزود: وضعیت حاجیان افغانستان امسال نظر به سال پار بهتر است، چیزی که از آن زیاد شکایت می شود دور بودن اقامتگاه های حاجیان از مسجد الحرام است.